



Examining the Loopholes of the Law on the Protection of the Rights of Children and Adolescents with an Emphasis on the Role of the Offices for the Protection of the Rights of Children and Adolescents

Nastaran Arzanian

Administrative Services and Judge and head of the Office for the Protection of the Rights of Children and Juveniles of Justice of Qaemshahr, Master of Laws of University of Judicial Sciences, Tehran, Iran

بررسی خلأهای قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری

نسترن ارزانیان

دادیار تحقیق و مسئول دفتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری قائمشهر، کارشناس ارشد حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
arzanian72@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-9488-8466>

Abstract

Children and teenagers are considered as the human capital of any country, relying on them, the future of the country is built. Supporting these human capitals has an undeniable role in cultivating genius and talents. Thus, the Law on Protection of Children and Adolescents approved in 2013 was the first law that specifically protects these persons. After the relatively successful experience of this law, the necessity of approving a new law along with innovations in order to support more of this vulnerable group was felt. Finally, the Law on the Protection of Children and Adolescents was approved in 2019 and was put into effect after the approval of the Guardian Council. Despite the innovations and the adoption of appropriate preventive policies and the need to establish offices for the protection of the rights of children and adolescents, to determine the policy and assigned duties in order to protect these persons, there are gaps and ambiguities in this law, such as the need to criminalize intentional assault, production, making and buying and selling alcoholic beverages by children and teenagers and the need to review some of the articles of this law, which the present article is trying to express and provide a suitable solution to solve. The following article is written in a descriptive and analytical way.

Keywords: Child and Adolescent Rights Protection Offices, Welfare Organization, Criminalization.



چکیده

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های انسانی هر کشوری محسوب می‌گردند که با تأکید بر آنان، آینده کشورها ساخته می‌شود. حمایت از این سرمایه‌های انسانی، نقش انکارناپذیری در پرورش نبوغ و استعدادها دارد. بدین‌روی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نخستین قانونی بود که به‌طور ویژه به حمایت از این اشخاص پرداخته است. پس از تجربه نسبتاً موفق این قانون، ضرورت تصویب قانون جدید به همراه نوآوری‌هایی در راستای حمایت بیشتر از این قشر آسیب‌پذیر احساس شد. نهایتاً قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ تصویب و پس از تأیید شورای نگهبان به‌منصه اجرا گذاشته شد. به‌رغم نوآوری‌ها و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه مناسب و ضرورت تشکیل دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری، تعیین خط‌مشی و وظایف محوله در راستای حمایت از این اشخاص؛ خلأها و ابهاماتی در این قانون وجود دارد همچون لزوم جرم‌انگاری ضرب و جرح عمدی، تولید، ساخت و خرید و فروش مشروبات الکلی توسط کودکان و نوجوانان و ضرورت بازنگری در برخی از مواد این قانون که مرقومه حاضر درصدد بیان و ارائه راهکار مناسب جهت مرتفع نمودن آن می‌باشد. نوشتار پیش‌رو، به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، سازمان بهزیستی، جرم‌انگاری.

Received: 2022/10/25 - Review: 2023/01/27 - Accepted: 2023/02/26

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

<p>ارجاع: ارزانیان، نسترن؛ (۱۴۰۱)، بررسی خلأهای قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>
 <p>CC BY</p>
 <p>COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS</p>

مقدمه

قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ در زمان خود، اقدام نوآورانه‌ای محسوب شده است. چرا که قانون موصوف در مقابل خشونت خانگی و اجتماعی علیه کودکان و نوجوانان در جامعه رنگ بیشتری به خود گرفته بود و جرایمی همچون کودک آزاری، بهره‌کشی از کودکان کار، خرید و فروش مواد مخدر توسط کودکان و نوجوانان و معذالک؛ در قلمرو این سرزمین به وفور شدت یافت که در کنار آن، در دهه ۱۳۹۰ شمسی، جامعه با خطرات و آسیب‌هایی مواجه شد که در صورت عدم بررسی و بازنگری در این قانون، صدمات جبران‌ناپذیری به کودکان و نوجوانان وارد می‌شد. نهایت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ تصویب و پس از تأیید شورای نگهبان به منصفه اجرا گذاشته شد. هدف از تصویب این قانون، حمایت از کودکان و نوجوانان بود و در مرکزیت آن پیشگیری از جرایمی بود که کودکان و نوجوانان تا پیش از تصویب این قانون با آن دست و پنجه نرم می‌کردند.

۱- بررسی کلیات با رویکرد به دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری

از ابداعت خلاقانه قانون موصوف، حمایت از کودکان و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز است که طی بندهای چهارده گانه در ماده ۱۳ قانون یاد شده، به دقت مورد بررسی قرار گرفته؛ مواردی همچون

۱- ماده ۳: موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود: الف- بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن

مستمر والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل، طرد شدن طفل و نوجوان از سوی خانواده، وادار کردن طفل و نوجوان به فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری، خرید و فروش مواد مخدر، اعتیاد به آن از مهم‌ترین این موارد می‌باشد. پیرو آن، مقنن در ماده ۲۴ این قانون، از دفاتر حمایت از کودکان و نوجوانان قوه قضائیه سخن به میان آورده است که دفاتر مذکور به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها و مراجع، تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی تشکیل می‌گردد؛ که در ماده ۵ همین قانون، چنین مرقوم شده است که با تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه‌های قضایی شهرستان و تحت نظر دادستان ساختار و تشکیلات مناسب جهت ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها و اجرای وظایف این دفاتر ایجاد می‌شوند. پس از تبیین وظایف این دفتر، در تبصره این ماده بیان شده که مادامی که تشکیلات موضوع این ماده ایجاد نشده وظایف مقرر، تحت نظارت دادستان توسط دادیار آموزش دیده در حوزه اطفال و نوجوانان، ایضاً در حوزه بخش با نظارت رئیس حوزه قضایی انجام می‌گردد.

دستگاه قوه قضائیه ویژه دفاتر حمایت، متولی اجرای قانون مذکور در راستای وظایف محوله می‌باشند که با عنایت به سبک و سیاق مواد یاد شده محل تشکیل آن، دادسرای عمومی و انقلاب هر شهرستان است که یکی از آن نوآوری‌های دیگر قانون، اختیارات وسیع مسئول این دفتر در حوزه حمایت از کودکان و نوجوانان است. با عنایت به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که فرایند رسیدگی

است؛ ب- ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی و آگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛ پ- زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛ ت- ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار؛ ث- قوادی و یا دادر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتها آن‌ها به فساد اخلاق و فحشا؛ ج- خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛ چ- عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛ ح- بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛ خ- طرد شدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛ د- کم توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛ ذ- نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، وارد شدن یا وارد کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی؛ ر- هر گونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی؛ ز- فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛ ژ- سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او.

۲- ماده ۴: دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها، تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی، پایش و ارزشیابی فعالیت‌های دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای این قانون در قوه قضائیه تشکیل می‌شود. واحدی از این دفتر در حوزه قضایی هر استان و تحت نظر رئیس کل آن حوزه تشکیل و مستقر می‌شود.

پرونده‌های ارجاعی در دادسرا را ترسیم نموده و وظایف مقامات تحقیق در آن، به وضوح تعیین و مشخص گردیده است؛ با امعان نظر به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، چنین به نظر می‌رسد که اگرچه دفتر مذکور در دادسرا تشکیل گردیده؛ لکن وظایف معموله این دفتر تفاوت شگرفی با سایر فعالیت‌های مقامات دادسرا دارد؛ از این روی انعطاف بیشتری می‌طلبد. دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان و زنان قوه قضاییه قریب به پانزده سال پیش، پیش از تصویب این قانون در قوه قضاییه تشکیل شده است (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۹) که حکایت ضرورت قانون‌گذاری دقیق در خصوص تشکیل و تأسیس دفاتر حمایت بود که پس از تحقیقات گسترده‌ای، در قانون مذکور گنجانده و بخش عظیمی از این قانون به این دفاتر پرداخته است. شایان توجه است که این مرقومه بر آن است تا با بررسی برخی از مواد آن، نسبت به بیان ابهامات و القای خلأهای موجود، راهکارهایی در خصوص مرتفع نمودن آن، ارائه نماید.

در وهله نخست، پس از بررسی کلیات و توصیف دفاتر حمایت وظایف محوله و سازوکار آن، پر واضح است که ماده ۶ این قانون، در صدد تعیین وظایف و نقوش ارگان‌هایی نظیر بهزیستی، کمیته امداد، وزارت کشور، نیروی انتظامی است که در انتهای آن، به آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ اشاره می‌کند که در زمان مقرر ابلاغ شده است و طی پنجاه و چهار ماده به تشریح وظایف و نقوش مندرج در این ماده می‌پردازد. در ماده ۳ این آیین‌نامه، به این نکته اشاره می‌کند که سازمان بهزیستی، مسئولیت اصلی حمایت از کودکان و نوجوانان را بر عهده دارد که با مشارکت تمامی نهادهای مرتبط مندرج در این قانون، نسبت به اجرای وظایف محوله اقدامات لازم را انجام می‌دهد. به نظر می‌رسد که همین ماده با قانون منطبق نبوده؛ چرا که قانون حمایت، به طور شفاف، وظیفه اصلی حمایت از کودکان و نوجوانان را بر عهده دفاتر حمایت نهاد که با همکاری سایر مراجع، نسبت به اجرا آن بکوشند.

در مواد ۳۷ و ۴۸ آیین‌نامه اجرایی، نکته جالبی وجود دارد و آن نیز، مداخله فوری مددکاران بهزیستی

۳- ماده ۷: مددکاران اجتماعی مراکز فوریت‌های خدمات اجتماعی بر اساس قراین و شواهد، میزان، شدت خطر و نوع وضعیت مخاطره-آميز یا بزه‌ديگي را تشخيص و فوريت مداخله را تعيين و در موارد شديد و قريب‌الوقوع بلافاصله پس از گزارش در سريع‌ترين زمان ممكن اقدام مي‌کنند.

۴- ماده ۸: مددکاران اجتماعی مراکز فوریت‌های اجتماعی در موارد ضرورت می‌توانند جهت جمع‌آوری اطلاعات و حمایت از طفل و نوجوان با اجازه متصرف قانونی یا مدیر ذریعه، وارد محل زندگی یا کار افراد و یا محل تحصیل طفل و نوجوان شده و در صورت عدم اجازه، پس از اخذ دستور مقام قضایی اقدام نمایند. در موارد ضرورت مداخله فوری، مددکاران اجتماعی راساً یا در صورت لزوم با همراهی مأموران انتظامی وارد محل‌های مذکور می‌شوند و گزارش مربوط به همراه ضرورت مداخله فوری را به مرجع قضایی اعلام می‌نمایند.

در جایی است که عدم حضور به موقع ایشان، منجر به آسیب شدید به کودک و نوجوان و بزه‌دیدگی آن‌ها شود؛ که آیین‌نامه موصوف اجازه ورود به منازل و اماکن بسته راساً بدون اخذ دستور مودی مقام قضایی را داده تا پیشگیری لازم صورت گیرد. البته در جایی که نیازی به مداخله فوری نبوده و بازه زمانی جهت اخذ دستورات مقام قضایی جهت ورود به منزل و اماکن، وجود داشته باشد را شامل نمی‌شود. تصویب ماده مذکور در کنار ماده ۵۵^۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تفسیر شده و هیچ‌گونه تعارضی به چشم نمی‌خورد. صرفاً در نهاد مداخله‌کننده، تفاوت وجود دارد. در ماده ۹^۶ آیین‌نامه اجرایی، چنین بیان شده که مواردی که مددکار اجتماعی، وضعیت مخاطره‌آمیز را احراز نکرد، پرونده را به مرکز فوریت‌های اجتماعی ارسال می‌کند تا در صورت تأیید ناظر مرکز، پرونده مختومه شود. چنانچه مددکار اجتماعی یا ناظر مرکز، انجام اقدامات حمایتی را نسبت به وی ضروری بدانند، نسبت به پذیرش طفل و نوجوان اقدام می‌شود. لازم به ذکر است که احراز وضعیت مخاطره‌آمیز با سازمان بهزیستی و احراز بزه با مرجع قضایی است و ماده مذکور با این وضعیت هیچ تعارضی ندارد و چنانچه مقام قضایی یا دفاتر حمایت بزه مذکور را احراز نمایند، جهت بررسی بیشتر دستوراتی را صادر می‌نمایند. النهایه پس از بررسی مواد یاد شده، ضرورت ایجاب می‌نمود تا در خصوص عدم همکاری نهادهای مذکور با متولی این امر، ضمانت اجرایی در نظر گرفته می‌شد؛ چرا که اجرای تمامی امور محوله در این قانون، نیاز به همکاری و هماهنگی بسیاری بین دفاتر حمایت به‌عنوان اهرم اصلی و متولی اجرایی با سایر نهادها است.

۲- بررسی جرائم و مجازات‌های مندرج در قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان

با امعان نظر به فصل سوم این قانون، رفتارهایی جرم‌انگاری و به تبع آن، مجازات برای شان در نظر گرفته شده که با مذاقه در این فصل، مشاهده می‌گردد که از دیدگاه مقنن، آسیب‌های اجتماعی به درستی جرم‌انگاری شده‌اند. در ماده ۷ همچنین بیان شده که هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند؛ چنانچه خلاف

۵- ماده ۵۵: ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه مودی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

۶- ماده ۹: در مواردی که مددکار اجتماعی، وضعیت مخاطره‌آمیز را احراز نکرد، پرونده را به مرکز فوریت‌های اجتماعی ارسال می‌کند تا در صورت تأیید ناظر مرکز، پرونده مختومه شود. چنانچه مددکار اجتماعی یا ناظر مرکز، انجام اقدامات حمایتی را نسبت به وی ضروری بدانند، نسبت به پذیرش طفل و نوجوان اقدام می‌شود.

ماده ۲ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل آنان تا پایان تحصیل متوسطه امتناع ورزند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری نمایند؛ به جزای نقدی درجه هفت^۸ محکوم می‌شوند.

آن چیزی که در این ماده به وضوح مشخص است میزان مجازات مذکور است. جزای نقدی درجه هفت از بازدارندگی مناسبی برخوردار نبوده و به عبارت بهتر، تناسبی بین جرم و مجازات در نظر گرفته شده، وجود ندارد. ایضاً که در این ماده رفتار مرتکب اعم از فعل و ترک فعل جرم‌انگاری شده که در خصوص نظارت بر عدم تحقق این بزه و پیشگیری از بزه معنونه، ضرورت ایجاب می‌کند اداره آموزش و پرورش به همراه مرکز آمار و اداره ثبت و احوال هر شهرستان، نسبت به ارائه آمار سالانه تعداد کودکان و نوجوانان واجد شرایط تحصیل به دفاتر حمایت نموده و علاوه بر این، اداره آموزش و پرورش نیز با توجه به بررسی اطلاعات دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی سراسر شهرستان نسبت به پایش تعداد دانش‌آموزان و نظارت بر آن اقدام و نتایج را سالانه در موعد مقرر به دفاتر حمایت اعلام نماید؛ تا دفاتر حمایت در جهت نظارت به اجرای بهتر این قانون، اقدامات لازم را انجام دهند. چنانچه موردی از سوی اولیاء و سرپرستان قانونی آنان، به‌رغم واجد شرایط بودن آنان، اقدام به ثبت نام در مدارس مجاز نموده یا کودک یا نوجوانی ترک تحصیل کرده باشد از موارد شروع رسیدگی محسوب شود.

شایان توجه است که در مواد ۴۳^۹ و ۴۴^{۱۰} آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از حقوق کودکان و

۷- ماده ۲: در هر محل که بر اساس قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲ و اصلاحی آن مصوب ۱۳۵۰ موجبات تحصیل مراحل تعلیمات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است فراهم و اعلام شده باشد پدر و یا مادر یا سرپرست قانونی کودک که وظیفه نگهداری و تربیت کودک بر عهده او می‌باشد موظف است نسبت به ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کند و در صورتی که از انجام این وظیفه خودداری نماید وزارت آموزش و پرورش نسبت به ثبت اسامی کودکان مندرج در آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال موضوع تبصره ماده ۵ قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی و همچنین نسبت به ثبت نام کودک واجد شرایط تحصیل در مراحل اول و دوم موضوع ماده ۲ قانون اصلاح قانون مذکور اقدام خواهد نمود.

۸- حبس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

۹- ماده ۴۳: وزارت آموزش و پرورش در تمامی مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به پایش مستمر وضعیت حضور دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی اقدام می‌کند. در صورت شناسایی موارد مشکوک به ترک تحصیل ضمن بررسی موضوع و علت سنجی، با همکاری دستگاه‌های ذیربط زمینه حضور مجدد و ادامه تحصیل دانش‌آموز را فراهم می‌کند. در صورت ضرورت انجام اقدامات حمایتی یا مداخله قضایی به جهت بزه دیدگی یا وضعیت مخاطره‌آمیز طفل و نوجوان، مدیر مدرسه ضمن اعلام مراتب به آموزش و پرورش منطقه یا ناحیه

نوجوانان نیز به چگونگی اجرای این مهم پرداخته شده است. وزارت آموزش و پرورش در تمامی مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به پایش مستمر وضعیت حضور دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی اقدام می‌کند. در صورت شناسایی موارد مشکوک به ترک تحصیل ضمن بررسی موضوع و علت‌سنجی، با همکاری دستگاه‌های ذیربط زمینه حضور مجدد و ادامه تحصیل دانش‌آموز را فراهم می‌کند. در صورت ضرورت انجام اقدامات حمایتی یا مداخله قضایی به جهت بزه‌دیدگی یا وضعیت مخاطره‌آمیز طفل و نوجوان، مدیر مدرسه ضمن اعلام مراتب به آموزش و پرورش منطقه یا ناحیه موضوع را فوراً به سازمان بهزیستی یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اعلام کند. دستگاه‌های ذیربط که مکلف به همکاری با وزارت آموزش و پرورش در این زمینه هستند.

با مذاقه در ماده ۸ این قانون، به نوعی معاونت در بزه مورد جرم‌انگاری واقع شده و مواردی همچون ترغیب، تهدید یا تشویق جهت فرار طفل یا نوجوان از منزل یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی را مورد جرم‌انگاری قرار داده است. این اقدام در نوع خود اقدامی قابل ستایش محسوب می‌شود. لکن شدت مجازات مذکور در مورد تشویق و تهدید و ترغیب نوجوان یا طفل به ترک تحصیل مجازات شدیدتری نسبت به عدم ثبت نام واجدین شرایط به تحصیل و ترک تحصیل آنان دارا می‌باشد. در پایان این ماده قانونی، عبارتی با عنوان در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجهه و در صورت تکرار، به مجازات فوق محکوم می‌شود؛ به چه طریقی است؟ آیا منظور این می‌باشد که هیچ‌گونه پرونده و سوابق کیفری در دفاتر حمایت به ثبت نمی‌رسد؟ اخطار به چه صورت می‌باشد؟ به عبارتی بهتر قالب اخطار معین و واضح نیست. آیا پس از آن، هیچ‌گونه نظارتی از سوی دفاتر حمایت بر عملکرد این فرد اعمال نمی‌شود؟ ماده مذکور به قدری ابهام دارد که نیازمند رفع ابهام جدی است.

موضوع را فوراً به سازمان بهزیستی یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اعلام کند. دستگاه‌های ذیربط مکلف به همکاری با وزارت آموزش و پرورش در این زمینه هستند.

۱۰- ماده ۴۴: وزارت آموزش و پرورش از طریق سامانه نماد (نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان) در تمامی مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به پایش مستمر وضعیت تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان اقدام می‌کند. مدیر مدرسه با شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر یا بزه دیده ضمن ارایه خدمات آموزشی، مشاوره فردی و خانوادگی و انجام مداخلات مختصر ضروری، در صورت نیاز به ارایه خدمات حمایتی و تخصصی یا مداخله قضایی، حسب مورد موضوع را فوراً به سازمان بهزیستی یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اعلام می‌کند.

در ماده ۱۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاصی اعم از والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی نسبت به اطفال و نوجوانان نیز جرم‌انگاری شده که گامی رو به جلو تلقی می‌گردد. لکن در کنار سهل‌انگاری و بی‌توجهی این اشخاص، می‌بایست ضرب و جرح عمدی با آلات جارحه و ضرب و شتم جرم‌انگاری شود (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۸۲). چرا که بی‌شک، ضرب و شتم و ضرب و جرح عمدی با آلات جارحه، آثار سوء و جبران‌ناپذیری بر سلامت روح و روان فارغ از بحث آسیب‌های جسمانی بر جای می‌گذارد که محتمل است در آینده، به‌عنوان یک بحران یا ناهنجاری در فرد بدل شود. با امعان نظر به طرح این مطلب، قاضی رسیدگی‌کننده به این پرونده، ناچاراً جهت صدور رأی مناسب، می‌بایست به عموماًت قوانین کیفری در باب دیات و غیره، رأی خود را صادر نماید. شایان توجه است که در آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ چنین مرقوم شده که در صورت وجود آثار ضرب و جرح و صدمات جدی یا وجود قرائن معقول بر ارتکاب جرم نسبت به طفل و نوجوان، در صورت عدم اقدام قبلی، موضوع به صورت فوری و کتبی جهت پیگیری به مرجع قضایی اعلام می‌شود؛ با مذاقه در این ماده پیدا است که مقنن، در خصوص ضرب و جرح عمدی این طیف، برنامه مدونی داشته؛ لکن چرا در این خصوص اقدام لازم صورت نگرفته است، جای بسی سؤال می‌باشد.

ماده ۱۱۴^{۱۲} این قانون در کنار بند «ب»^{۱۳} ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، معاونت در

۱۱- ماده ۹: هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه به شرح زیر مجازات می‌شود: الف- فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب- فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحات از نوع جائفه یا بالاتر حسب مورد به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ پ- نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز بیماری روانی به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛ ت- جراحات سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای (ب) و (پ) به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛ ث- آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

۱۲- ماده ۱۴: هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف- هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب- هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ پ- هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

۱۳- ماده ۱۵: هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: ب- چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال

خودکشی را از زمره جرائم مندرج در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به شمار آورده و این اقدام مؤثری در جهت کاهش وضعیت مخاطره‌آمیز کودکان و نوجوانان می‌باشد. در ماده ۱۵ قانون حمایت بیان شده که هر شخصی برخلاف قانون کار، مرتکب بزه بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده ۲ این قانون شود؛ علاوه بر این، مجازات‌های مذکور در قانون کار به مجازات حبس درجه شش نیز محکوم می‌گردد. شایان توجه است که در بحث سامان‌دهی کودکان کار و وجود گروه‌های سازمان‌یافته جهت بهره‌کشی‌های متعدد از طیف گسترده‌ای از کودکان و نوجوانان، بهتر بود که در این قانون، جرم‌انگاری صورت می‌گرفت. چرا که در این مسئله می‌بایست به عمومات قانون مجازات اسلامی مراجعه شود. در خصوص سامان‌دهی کودکان کار نیاز است که دفتر حمایت نسبت به تحویل این کودکان و نوجوانان در مکانی مناسب با همیاری شهرداری‌ها و اداره بهزیستی و نگهداری مناسب آنان، اقدام قابل توجهی انجام دهد.

آن چیزی که خلأ قانونی ماده ۱۶^{۱۴} را به رخ می‌کشد، بحث جرم‌انگاری در اختیار قرار دادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان یا به واسطه آنان است که مع‌الاسف، بحث خرید و فروش و اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی در این قانون جرم‌انگاری نشده است؛ که مقنن نیاز است تا در این خصوص نسبت به جرم‌انگاری این موضوع اقدام جدی نماید. چرا که مصرف مشروبات الکلی دست ساز بسیار شایع و مطابق آمارهای رسمی روز به روز بر آن نیز افزوده می‌شود. البته در بند «ت» ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، در خصوص وضعیت مخاطره‌آمیز، عبارت ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار آمده است که به نظر می‌رسد قصد قانون‌گذار بیان عبارت، اعتیاد نظیر موارد مطروحه می‌باشد که چنانچه ماده ۱۶ نیز با چنین عبارتی همراه بود، امکان کیفر و تعقیب متهمین به بحث خرید و فروش و اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی نیز قابل توجیه بود. ایضاً فارغ از این مطالب، در نظر گرفتن مجازات جزای نقدی درجه هشت به هیچ عنوان از مصادیق بازدارندگی و اصلاح مجرم نخواهد بود.

خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

۱۴- ماده ۱۶: در اختیار قرار دادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان یا به واسطه آنان، موجب ضبط مواد دخانی کشف شده و محکومیت مرتکب به جزای نقدی درجه هشت قانون مجازات اسلامی می‌شود.

۳- بررسی مرحله صدور حکم و اجرای مجازات منطبق بر قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان

به وضوح مشخص است که در فصل تحقیق و رسیدگی اقدامات مؤثری در راستای حمایت از طفل و نوجوان صورت گرفته و جهت تسریع در رسیدگی به پرونده آنان، مواجه هستیم. ایضاً در ماده ۱۵۳۰ این قانون، علاوه بر جهات شروع به تعقیب مندرج در ماده ۱۶۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جهات دیگری نیز اضافه گردیده که دست دستگاه قوه قضاییه و دفاتر حمایت جهت پیگیری باز گذاشته شده است. در ماده ۳۲ همین قانون، اختیاراتی به مددکاران بهزیستی داده شده که پس از اطلاع از وضعیت مخاطره آمیز جهت تحقیق اقداماتی نموده و در صورت تحقق بزه آن را در قالب گزارش به نظر دادستان برسانند که ماده مذکور تعبیه سازوکاری است که در ماده ۱۷۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری که وظیفه مذکور را به مرجع انتظامی محول نموده بود، پیش بینی شده است.

در ماده ۱۸۴۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، چنین بیان شده که به دادگاه رسیدگی کننده به جرائم موضوع مواد ۷، ۸ و ۹ این قانون در صورت ضرورت مصلحت طفل یا نوجوان پس از اخذ نظر تخصصی مددکار اجتماعی نسبت به صدور قرار تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات اقدام نماید. با امعان نظر به ماده موصوف امکان صدور قرار تعلیق تعقیب و سایر نهادهای ارفاقی با قید دو شرط به شرح زیر امکان پذیر است: چنانچه جرائم از مواد ۷، ۸ و ۹ این قانون باشد. چنانچه مرتکب یا مرتکبین از والدین یا اولیاء طفل یا نوجوان باشند. البته که الزامی در این خصوص وجود ندارد. لکن در خصوص سایر جرائم مطروحه در این قانون، به همراه سایر اشخاص مندرج در مواد ۷، ۸ و ۹ سؤال طرح

۱۵- ماده ۳۰: علاوه بر جهات قانونی برای شروع به تعقیب موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، موارد زیر نیز از جهات قانونی برای شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی مقرر در این قانون می باشد: الف- تقاضای طفل و نوجوان؛ ب- گزارشها و درخواستهای مکتوب یا شفاهی که هیت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست در صورتی که دارای قرائن معقول و متعارف باشد.

۱۶- ماده ۶۴: جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است: الف- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی. ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن. پ- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس. ت- اظهار و اقرار متهم. ث- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر.

۱۷- ماده ۴۳: هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب را اتخاذ می کند.

۱۸- ماده ۴۱: مرجع قضائی می تواند در جرائم موضوع مواد (۷)، (۸) و (۹) این قانون چنانچه مرتکب از والدین یا اولیای طفل یا نوجوان باشد، پس از اخذ نظر تخصصی مددکار اجتماعی نسبت به صدور قرار تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات اقدام کند.

می‌شود که آیا اساساً امکان استفاده از نهادهای ارفاقی برای سایر جرائم وجود نداشته یا دست کم با مراجعه به عموماً متصوص جزایی، امکان استفاده از این نهادها، وجود دارد؟ که به نظر می‌رسد با عنایت به صراحت این ماده و خاص بودن قانون موصوف، امکان جواز استفاده از سایر نهادهای ارفاقی وجود نداشته باشد. در ماده ۴۵^{۱۹} این قانون، سازوکاری مهیا شده است تا قاضی صادرکننده حکم قطعی، پس از در نظر گرفتن گزارش مددکاران اجتماعی مبنی بر ایجاد تغییر در وضعیت طفل یا نوجوان، والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی، در تصمیمات یاد شده بازنگری داشته و نسبت به اتخاذ تصمیم جدید اقدام نماید.

ماده مذکور استثنایی بر قاعده فراغ دادرسی است؛ ایضاً حکایت از آن دارد که آرای صادره در خصوص پرونده‌های کودکان و نوجوانان دارای اعتبار امر مختومه نمی‌باشد. ماده مذکور دارای ایرادات فراوانی است و به نظر می‌رسد تالی فاسد به همراه دارد. به طور مثال، در خصوص بحث مرور زمان صدور حکم و مرور زمان اجرای مجازات از چه زمانی شروع می‌شود؟ آیا زمانی که حکم قطعی صادر می‌گردد، مرور زمان اجرا مجازات شروع شده است؟ ایضاً افزون بر آن، چرا از اصطلاح رأی قطعی قانون‌گذار استفاده نموده است؟ چرا که اساساً مطابق ماده یاد شده رأی صادره دارای قطعیت نمی‌باشد. رأی بازنگری شده آیا از امکان اعتراض دادستان به عنوان مدعی العموم برخوردار می‌باشد؟ آیا رأی صادره مجدداً ابلاغ می‌شود؟ بازنگری مذکور تا چه میزان بوده و آیا اساساً می‌تواند خلاف تصمیم پیشین رأی جدیدی صادر گردد؟ ضمناً در صورتی که پرونده به اجرای احکام کیفری برود امکان بازپس‌گیری پرونده و عدول از تصمیم سابق وجود دارد؟ آیا دفاتر حمایت و سایر نهادهای مرتبط و دخیل در این قانون، امکان اعتراض یا درخواست تغییر رأی صادره را دارند؟ چندین بار این رأی قابل تغییر است؟ مسائل طرح شده در این بخش، صرفاً بخشی از معضلاتی است که ماده مذکور به همراه داشته و به نظر می‌رسد که ماده مذکور به طور جد نیاز به بازنگری دارد یا دست کم در منصفه اجرا، نیاز به تدوین آیین‌نامه‌ای تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۵ قانون حمایت دارد که نحوه اجرا، احکام و ضوابط آن می‌بایست، به دقت تشریح شود.

نتیجه

کودکان و نوجوانان آینده‌سازان جوامع هستند که کشورهای مختلف در راستای حمایت از آنان، قوانین مدونی تصویب و به منصفه اجرا گذاشته‌اند و افزون بر آن، سازمان‌ها و ارگان‌های جهانی نیز با تصویب کنوانسیون‌های مختلف، مهر تأییدی بر تدابیر حمایت‌گونه کشورهای زده‌اند. در قلمرو جمهوری اسلامی ایران نیز، قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سالیان متمادی دستخوش تغییرات و بازنگری‌های بسیاری بوده که در سال

۱۹- ماده ۴۵: دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند با در نظر گرفتن گزارش مددکاران اجتماعی مبنی بر ایجاد تغییر در وضعیت طفل یا نوجوان، والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی در تصمیمات صادر شده بازنگری و اتخاذ تصمیم مجدد کند.

۱۳۹۹ عصاره پژوهش و اقدامات مجلس شورای اسلامی، در قالب قانون جدید تصویب گردید. لکن طی بررسی‌های صورت گرفته در این مرقومه، قانون یاد شده با خلأ و چالش‌هایی روبه‌رو است که ضرورت دارد که قانون‌گذار محترم نسبت به رفع این مسائل اقدام مناسب و درخور داشته باشد.

در همین راستا، پیشنهادات زیر با مذاقه در متن قانون اخیرالذکر به شرح ذیل اعلام می‌گردد: تعیین خط مشی دقیق‌تر وظایف دفاتر حمایت از کودکان و نوجوانان جهت انجام هرچه بهتر قانون مذکور. ضرورت بر وجود اعضاء نظیر مددکار اجتماعی، روانشناس و دادیار آموزش دیده در دفاتر حمایت هر شهرستان جهت انجام امور محوله قانون یاد شده به ریاست دادیار آموزش دیده. تعیین ضمانت اجرای‌های مناسب در صورت عدم اقدام به موقع و قاطع دفاتر حمایت و ارگان‌های ذریبط. لزوم بازنگری در میزان مجازات‌های جرائم مندرج در این قانون؛ قانون مذکور حمایت از کودکان و نوجوانان قلمداد شده؛ لذا ضرورت ایجاد می‌نماید تا با عنایت به اصل تناسب مجازات، تشدید شوند. جرم‌انگاری ضرب و جرح عمدی کودکان و نوجوانان به‌عنوان یکی از مصادیق کودک آزاری. لزوم جرم‌انگاری گروه‌های سازمان یافته به‌عنوان مافیای کودکان کار در جهت تکدی‌گری و معذالک. ضرورت بر جرم‌انگاری افعال والدین و اولیاء قانونی در جهت خرید و فروش، تولید و ساخت مشروبات الکلی توسط کودکان و نوجوانان. لزوم بازنگری ماده ۴۵ قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان یا دست‌کم تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده یاد شده. بازنگری در وضعیت استفاده از نهادهای ارفاقی و شفافیت در اجرای آن.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ایزدی، نرگس؛ قورچی بیگی، مجید؛ الهام، غلامحسین؛ عباسی، محمود، ۱۴۰۰، ظرفیت سنجی مداخله حاکمیت نسبت به ناقضان قوانین جزایی در بوته نقد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و آیین‌نامه اجرایی آن، **دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۷۵.
- عباسی، سجاد؛ جعفرزاده، سیامک؛ صالحی، سیدمهدی، ۱۳۹۹، عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۲۱.